

# بررسی روایات تاریخ نگارش قرآن، در صحیح بخاری



رضیه سادات سجادی

## چکیده

رسول خدا (ص) نویسندگانی داشتند که به محض نزول وحی، آیات قرآن را می نگاشتند. بدین ترتیب همه قرآن در حیات پیامبر و به دستور آن حضرت نوشته شد. عده ای از صحابه نیز در همان زمان برای خود قرآن هایی فراهم کرده بودند که علاوه بر آیات قرآن، مطالبی را نیز که پیامبر به عنوان تفسیر، پیرامون آیات می فرمودند، در آن می نوشتند.

پس از رسول خدا (ص) یک بار در عهد ابی بکر و بار دوم در عهد عثمان دستور به نگارش قرآن داده شد. در این مقاله، روایات مربوط به جمع و نگارش قرآن در زمان پیامبر اکرم (ص) و ابوبکر و عثمان از کتاب صحیح بخاری مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه ها: رسول خدا (ص)، جمع قرآن، نگارش، ابوبکر، عثمان.

## درآمد

مساله نگارش و جمع و تدوین قرآن، از مسائل مهم تاریخ قرآن به شمار می رود. برخی بر این اعتقادند که این مهم در زمان رسول خدا (ص) انجام نشده است؛ بنابراین، خواسته اند

ثابت کنند که پس از وفات آن حضرت، ضرورت انجام آن احساس شد و حاکمان وقت به این مهم اقدام کردند. در مقابل عده‌ای بر این باورند که رسول خدا (ص) در مورد کتاب الهی که دستورالعمل زندگی مردم است کوتاهی نکرده بلکه برعکس توجه و عنایت خاصی داشته تا این کار بطور کامل به انجام رسد و در این خصوص در گفتار و کردار ایشان موارد فراوانی می‌توان یافت.

برای بررسی این امر روایات کتاب «الجامع الصحیح» نوشته محمد بن اسماعیل بخاری را مورد کاوش قرار داده‌ایم. در این راه، مسأله نگارش و جمع و تدوین قرآن را در سه دوره زمانی - حیات رسول خدا (ص)، حکومت ابوبکر و حکومت عثمان - مورد بازنگری قرار داده و به نقد و بررسی روایات در این زمینه خواهیم پرداخت.

### جمع قرآن در حیات رسول خدا (ص)

رسول خدا (ص) نویسندگانی داشتند که به هنگام نزول وحی از آن‌ها می‌خواستند تا آیات قرآن را بنگارند. از جمله این افراد از زید بن ثابت در صحیح بخاری نام برده شده است. چنان‌که در حدیثی آمده است که چون آیه «لا یستوی القاعدون من المؤمنین» (نساء، ۴/ ۵۹) مومنان بازنشسته از جهاد با آنان که در راه خدا پیکار می‌کنند، یکسان نیستند. نازل شد، رسول خدا (ص) زید را فراخواند. زید کتفی آورد و آن آیه را نوشت.<sup>۱</sup>

همچنین از فردی نصرانی، یاد شده است که اسلام آورد و پس از فراگرفتن سوره‌های بقره و آل عمران، برای پیامبر می‌نوشت.<sup>۲</sup>

نتیجه این که پیامبر (ص) در حیات خود دستور به کتابت آیات می‌دادند؛ منتهی بر روی وسایلی چون استخوان کتف، سنگ، چوب و پوست.<sup>۳</sup> عده‌ای از صحابه نیز در حیات آن حضرت برای خود قرآن‌هایی جداگانه فراهم آورده بودند؛<sup>۴</sup> از جمله آن‌ها می‌توان از حضرت علی (ع)<sup>۵</sup> و عبدالله بن مسعود<sup>۶</sup> و عایشه<sup>۷</sup> - همسر پیامبر (ص) نام برد.<sup>۸</sup>

از روایاتی که در این زمینه آمده است، می‌توان دریافت که صحابه در آن عصر علاوه بر نگارش آیات قرآن، مطالبی را نیز می‌نوشتند که پیامبر (ص) به عنوان تفسیر پیرامون آیات بیان می‌کردند.<sup>۹</sup> چنان‌که در روایتی آمده است؛ عایشه به فردی دستور داده بود تا برایش مصحفی بنویسد و به او گفته بود که هر وقت به آیه «حافظوا علی الصلوات و الصلوة

الوسطی» (بقره، ۲/۲۳۸)؛ بر نمازها، به ویژه نماز ظهر مواظبت کنید. رسیدی، مرا خبر کن. کاتب می گوید:

چون او را باخبر ساختم، بر من چنین املا کرد که بنویس: «حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی و صلوة العصر و قوموا لله قانتین». عایشه گفت که من از رسول خدا (ص) چنین شنیده‌ام.<sup>۱۰</sup>

این مطلب درباره حفصه<sup>۱۱</sup> و ام سلمه<sup>۱۲</sup> نیز روایت شده است.

بنابراین، پیامبر اکرم (ص) علاوه بر قرائت آیات قرآن بر مردم، به تفسیر و تبیین آیات نیز می پرداخت و از میان مردم هرکس که تمایل داشت این تفاسیر را در حاشیه قرآنی که خود فراهم می آورد، می نوشت و هدفشان این بود که تفسیر قرآن را در کنار آیات، گردآورده باشند.<sup>۱۳</sup> در روایتی دیگر از ابن عباس آمده است که در جاهلیت بازارهایی با نام های عکاز، مجنة و ذوالمجاز وجود داشت؛ اما چون اسلام آمد، مردم، گناه می دانستند [که در ایام حج به آن بازارها بروند، در پی همین مسأله] این آیه نازل شد: «لیس علیکم جناح أن تبتغوا فضلا من ربکم فی مواسم الحج» (بقره، ۲/۱۹۸)؛ بر شما مانعی نیست که از فضل پروردگار خود روزی بجوید. راوی می گوید: ابن عباس چنین قرائت کرده است. «لیس علیکم جناح أن تبتغوا فضلا من ربکم فی مواسم الحج».<sup>۱۴</sup>

از آن جا که ابن عباس در مقام تفسیر این آیات بوده است، عبارت «فی مواسم الحج» را به عنوان تفسیر بیان کرده، اما راوی پنداشته که این عبارت، جزئی از آیه قرآن است. چنان که ملاحظه می شود این روایات، با روایت منقول از پیامبر (ص) که: «لا تکتبوا عنی و من کتب عنی غیر القرآن فلیمحه و حدثوا عنی و لا حرج؛<sup>۱۵</sup> از [سخنان] من چیزی ننویسید و هرکس غیر از قرآن از [سخنان] من چیزی نوشته است، باید آن را محو و نابود کند. [اما] از من حدیث نقل کنید که اشکالی در این امر نیست»، ناسازگار است.

در روایت دیگری از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: قرآن را از چهار نفر فراگیرید: عبدالله بن مسعود، سالم مولی اُبی خذیفه، اُبی بن کعب و معاذ بن جبل.<sup>۱۶</sup> در احوال ابن مسعود آمده است که وی می گفت: «قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، هیچ سوره ای از کتاب خدا نیست، جز این که می دانم در کجا نازل شده، و هیچ آیه ای از کتاب خدا نیست مگر این که می دانم در مورد چه کسی نازل شده

است و اگر بدانم کسی آگاه تر از من به کتاب خداست و لازم باشد با شتر به وی

دست یابم، سواره به سویش می روم».<sup>۱۷</sup>

نتیجه این که رسول خدا (ص) امر به فراگیری قرآن از کسی می کند که نه تنها قاری قرآن است، بلکه عالم به کتاب الله است و شأن نزول و محل نزول آیات را می داند؛ بنابراین اگر دستور به فراگیری قرآن از وی می دهد، با این هدف است که مسلمانان علاوه بر قرائت و خواندن قرآن، به تفسیر و شأن نزول آیات نیز آگاه شوند.

در گزارش دیگری آمده است که عبدالله بن مسعود خطبه ای خواند و در آن خطبه چنین گفت:

«به خدا سوگند، من از دهان رسول خدا (ص) هفتاد و اندی سوره فراگرفتم و به خدا قسم که اصحاب پیامبر (ص) می دانند که من داناترین آن ها به کتاب خدا هستم، هرچند بهترین آنان نیستم».

راوی خبر می گوید: «من در حلقه ای از مردم نشستم تا بدانم که مردم در این باره چه می گویند اما نشنیدم کسی سخن وی را تکذیب کند».<sup>۱۸</sup> این روایت، بیانگر این مطلب است که حاضران آن مجلس، سخن ابن مسعود را باور داشته اند.

در روایاتی نیز آمده است که در زمان رسول خدا (ص) تنها چهار نفر از انصار، قرآن را جمع کردند؛ آنان عبارت بودند از: اُبی بن کعب، معاذ بن جبل، ابوزید و زید بن ثابت.<sup>۱۹</sup> در روایت دیگری به جای اُبی بن کعب، نام ابو الدرداء آمده است.<sup>۲۰</sup> حال این جمع قرآن به چه معنی است؟ آیا به معنی حفظ قرآن در سینه و خاطر است یا به معنی جمع آن به صورت مکتوب؟ چرا از بین صحابه رسول خدا (ص) تنها این چهار نفر به عنوان جامع قرآن معرفی شده اند که همگی از انصارند؟ آیا مهاجران به جمع قرآن اهمی نشان نمی دادند؟ با توجه به این که عده ای از مهاجران را اصحاب صفه تشکیل می دادند که با پیامبر (ص) حشر و نشر بیشتری داشتند و غالباً شغلی نداشتند و بهتر می توانستند به این کار پردازند. آیا در بین صحابه رسول خدا (ص) تنها چهار نفر به عنوان قاری محسوب می شدند؟ یا این که کسانی دیگر نیز بودند منتهی چون راوی (مالک بن انس) از انصار است تنها چهار نفر را به عنوان جامع قرآن در زمان رسول خدا (ص) معرفی کرده است؟<sup>۲۱</sup>

محمد أبو شهبه در رد این اشکال گفته است: منظور آنس، حصر اضافی است نه حصر حقیقی. چرا که حصر حقیقی هنگامی صورت می پذیرد که وی همه صحابه را ملاقات کرده و از تک تک آن ها پرسیده باشد تا استقراء حاصل شود که این کار معمولاً بعید به نظر می رسد.<sup>۲۲</sup> در ادامه، دیدگاه علما را در توجیه و بیان سخن آنس چنین می آورد:

عده ای از علما ی پیشین، چنین پاسخ داده اند که جز این چهار نفر، دیگران قرآن را مستقیماً از پیامبر (ص) اخذ نکرده اند بلکه بخشی را مستقیم و بخشی را با واسطه از آن حضرت دریافت کرده اند.

قول عده ای دیگر این است که قرآن را با تمام حروف و قرائاتش، کسی جز این چهارتن جمع نکرده است.

آن گاه در پایان می گوید: رأی حقیقی همان است که ابن حجر در فتح الباری بیان کرده است که منظور آنس، تنها خزرجیان است؛ یعنی از بین قبيله خزرج این چهار نفر قرآن را حفظ کرده اند. بنابراین با جمع زیادی از مهاجران که قرآن را حفظ کرده بودند منافاتی نخواهد داشت.<sup>۲۳</sup>

### ابوبکر و جمع قرآن پس از رسول خدا (ص)

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) در دومین سال خلافت ابوبکر، پس از جنگ مسلمانان با مسیلمه که در یمامه اتفاق افتاد و منجر به شهادت عده ای از صحابه شد، وی دستور به نگارش قرآنی داد که خالی از هرگونه بیان تفسیری باشد. حال آن که - چنان که قبلاً آمد - در زمان رسول خدا (ص)، صحابه در قرآن های خود بیانات تفسیری آن حضرت را نیز یادداشت می کردند.<sup>۲۴</sup>

از زید بن ثابت چنین نقل شده است:

«پس از درگیری مسلمانان با اهل یمامه (مسیلمه کذاب و پیروانش)، ابوبکر به دنبال من فرستاد. عمر نزد وی بود. ابوبکر گفت: عمر نزد من آمده و گفته است: در ماجرای درگیری یمامه، تعداد زیادی از قاریان قرآن کشته شده اند و من می ترسم که در سایر میدان ها، بقیه قاریان از بین بروند و در نتیجه، آیات زیادی از قرآن [که در حافظه این قاریان است] از بین برود. نظر من بر این است که دستور بدهی

تا قرآن جمع آوری شود. گفتیم: چگونه کاری کنم که رسول خدا (ص) انجام نداده است؟ عمر گفت: «به خدا قسم این کار، کاری نیک و خیر است». همچنان عمر در این ارتباط به من مراجعه می کرد تا این که به خاطر آن امری که خداوند به عمر، شرح صدر عنایت کرده بود، به من نیز شرح صدر عطا کرد و با عمر به توافق رسیدم».

لذا در پی [پاره های] قرآن برآمدم و آن ها را از روی چوبه های نخل و برگ های کاغذ و درخت و پوست و سنگ های نازک و از سینه و حافظه مردمان گرد آوردم؛ و آخرین آیه سوره توبه «لقد جاءكم رسول من أنفسكم...» تا آخر آن را نزد «خزیمه» یا «أبو خزیمه» یافتیم و این آیات را به آخر این سوره ضمیمه و ملحق کردم. این صحیفه ها در حیات ابوبکر نزد وی بود تا از دنیا رفت. پس از آن نزد عمر بود و پس از مردن وی نزد دخترش حفصه ماند. ۲۵

### نکاتی که درباره این روایات قابل تأمل است

۱. در روایات از فردی که آخرین آیه سوره توبه نزد وی یافت شد به نام های «أبو خزیمه انصاری» و «خزیمه انصاری» یاد شده است. در حالی که این اسم، نام دو نفر است نه یک نفر با دو نام:

الف) خزیمه بن ثابت بن ثعلبة بن ساعدة بن عامر بن غیاث بن عامر بن خطمة عبد الله بن جشم بن مالک بن الأوس الأنصاری الأوسی الخطمی. ۲۶

ب) أبو خزیمه بن أوس بن زید بن أصرم بن ثعلبة بن غنم بن مالک بن النجار. ۲۷  
ابن حجر به نقل از کتاب المصاحف ابن ابی داود، از این فرد به نام «الحارث بن خزیمه» یاد می کند. ۲۸

ابن عبد البر در شرح حال ابو خزیمه چنین بیان می کند: «قال ابن شهاب، عن عبید بن السباق، عن زید بن ثابت: «وجدت آخر التوبة مع أبي خزيمه الأنصاري». آن گاه در ادامه می گوید: ابو خزیمه و حارث بن خزیمه تنها در انصاری بودن مشترکند با این تفاوت که ابو خزیمه، اوسی است و ابن خزیمه از قبیله خزرج. ۲۹

اما در شرح حال حارث بن خزیمه چنین آورده است: الحارث بن خزيمه الأنصاري، قال ابن شهاب عن عبید بن السباق: زید بن ثابت قال: «وجدت آخر التوبة مع أبي خزيمه

الأنصاری». و هذا لا یوقف له علی اسم علی صحته، و هو مشهور بکنیته». ۳۰

۲. در روایات سابق دیدیم که پیامبر (ص) با نزول آیات قرآن، زید و یا سایر نویسندگان وحی را فرا می خواند تا آیات تازه فرو فرستاده شده را بنویسند؛ و این به معنی کتابت تمام قرآن و جمع آن در دوران حیات پیامبر است. چنان که از ابن عباس و محمد بن حنفیه نقل شده است که گفته اند: «پیامبر (ص) تنها ما بین الدفتین را از خود به جای گذاشت». ۳۱

بنابراین با کشته شدن قاریان قرآن، در جنگ یمامه احتمال از بین رفتن قرآن نخواهد بود که در روایت آمده است: پس از جنگ یمامه عمر به ابوبکر گفت: «کشته شدن قاریان در این جنگ باعث از بین رفتن قرآن می شود».

بعضی پژوهشگران علت نگرانی عمر و ابوبکر را این مسأله دانسته اند که این دو، ادا و رساندن مکتوب و نوشته شده قرآن را تنها از طریق تلقین و روایت می دانستند، لذا می ترسیدند با مرگ قاریان، طریقه ادا نیز سخت و مشکل شود. ۳۲

در حالی که این توجیه نیز موجه به نظر نمی رسد؛ چرا که با نوشتن قرآن باز هم مشکل طریقه ادا باقی می ماند، به ویژه که خط عربی در آن زمان بدون نقطه و شکل و اعراب بوده است.

۳. کتابت وحی در زمان رسول خدا (ص) و با اشراف آن حضرت به معنی جمع قرآن است در نتیجه این سخن که گفته شود: «ما اقدام به کاری نمی کنیم که رسول خدا (ص) انجام نداده است»، صحیح نخواهد بود.

همین مسأله را سید محمد باقر حکیم چنین بیان کرده است:

«این عناصر پنج گانه، یعنی اهمیت ذاتی قرآن کریم، و این که در صورت عدم تدوین، قرآن در معرض تحریف واقع می شود، و درک این خطر از جانب پیامبر (ص)، و وجود امکانات تدوین، و تأکید پیامبر (ص) بر حفظ و صیانت قرآن و اخلاص آن حضرت، این یقین را به وجود می آورد که قرآن کریم در زمان رسول خدا (ص) نگاشته و جمع و تدوین شده است». ۳۳

۴. چرا در کتابت قرآن در زمان ابوبکر از سایر جامعین قرآن (ابی بن کعب، معاذ بن جبل، ابو زید و ابو الدرداء) دعوت به عمل نیامد؟ ۳۴ آیا آن چهار نفر دیگر مورد اتهام بودند یا این که عاقل نبودند که ابوبکر تنها زید بن ثابت را مورد خطاب قرار می دهد که تو جوانی عاقل هستی که مورد اتهام نیستی؟ سایر جامعین قرآن از چه جهت مورد اتهام بودند

که برای این کار دعوت نشدند؟ آیا اعتماد پیامبر (ص) و تأکید آن حضرت مبنی بر اخذ قرآن از فرد یا افرادی خاص، در عدم اتهام آن‌ها در این امر کافی نیست؟ شاید این سخن بی‌جا نباشد که: زید از نظر ابوبکر بهترین مورد بود. دو شرط اصلی را داشت که او را از دیگران متمایز می‌ساخت: یکی اعتماد انتخاب‌کننده بر او، و دیگری قرائتش. ابوبکر او را خوب می‌شناخت. همیشه او را به مدینه در محضر رسول خدا دیده بود که کتابت وحی می‌کند و به او اطمینان داشت. اما علت مهم دیگر قرائت زید بود. زید تا آخرین لحظه زندگی رسول خدا، در خدمت پیامبر اکرم بود و تمام با قسمت عمده آن‌چه در مدینه نازل شده، شاهد بود، آیات مکی را هم یا از شخص پیامبر و یا از قاریان دیگر فراگرفته بود. ۳۵

۵. اگر آیه آخر سوره توبه تنها نزد خزیمه بوده، پس جامعین قرآن، جامع واقعی نبوده‌اند و گرنه هیچ آیه‌ای از قرآن نباید از آن‌ها فوت شود.

۶. چرا در کتابت قرآن از نسخه‌ای که در حضور پیامبر (ص) توسط زید و سایر نویسندگان وحی نوشته شده بود، استفاده نشد که به طور قطع هیچ آیه‌ای حتی آیه آخر سوره توبه از آن نیفتاده بود؟ ۳۶

۷. آیا آیه آخر سوره توبه نیز، در حضور پیامبر نوشته نشده بود؟ آیا زید بن ثابت نیز که خود از کاتبان وحی بود از وجود آن اطلاعی نداشت؟ و آیا پیامبر (ص) آن را تنها برای خزیمه بن ثابت ابلاغ کرده بود نه سایر مردم؟ ۳۷

۸. با توجه به این که صحابه رسول خدا (ص) در مدینه الرسول بودند و اهتمام آن‌ها تلاوت شبانه روزی آیات قرآن بود، آیا صحیح است که دو سال پس از رسول خدا (ص) آیه‌ای از قرآن ناپدید شود و تنها نزد یک نفر یافت شود؟

۹. در این روایات آمده بود که زید بن ثابت یک آیه سوره توبه و یا یک آیه سوره احزاب را تنها نزد خزیمه یا ابوخزیمه یافت؛ این مسأله دلالت بر این دارد که زید بن ثابت در جمع قرآن بر اخبار واحد اعتماد کرده است و در نتیجه مخالف با متواتر بودن قرآن است.

در رد این شبهه محمد ابو شبهه چنین پاسخ می‌دهد: «این مسأله با تواتر قرآن منافات ندارد؛ چرا که در جمع قرآن بر حفظ و کتابت اعتماد می‌شد و هدف این بود که اطمینان بیشتر به دست آورند تا آن‌چه می‌نویسند درست همان چیزی باشد



که در حضور رسول خدا نوشته شده است. در نتیجه، این که زید گفته است: «آن دو آیه را نزد کسی نیافتم»، به این معنی است که آن دو آیه را به صورت مکتوب و نوشته شده نیافتم. این مسأله هم منافات با این ندارد که این دو آیه در حافظه عده ای و جمعی وجود داشته است که به وسیله آن تواتر ثابت می شود و تواتر نیز فقط در حفظ است نه در کتابت». ۳۸

در حالی که از ظاهر سخن زید برداشت نمی شود که مراد از نیافتن این دو آیه، مکتوب نبودن آن ها بوده است. همچنین اگر تواتر سخنی ثابت شده باشد دیگر پی جویی از مکتوب و نوشته آن لزومی ندارد. به علاوه، اگر این سخن را بپذیریم در حقیقت قبول کرده ایم که تمام قرآن به صورت مکتوب و نوشته شده در زمان رسول خدا (ص) انجام شده است. در نتیجه این سخن صحیح نخواهد بود که اولین کسی که اقدام به جمع قرآن بصورت مکتوب نموده، ابوبکر بوده است.

۱۰. در روایات آمده است که پیامبر اکرم (ص) حداقل زمان ختم کل قرآن را برای افراد مشخص می کردند. ۳۹ آیا افرادی که در زمان رسول خدا (ص) قرآن را ختم می کردند از آیات آخر سوره توبه غافل بودند؟ ۴۰

۱۱. این روایت را تنها ابن شهاب از عبید بن السباق از زید بن ثابت نقل کرده است. آیا ممکن است کسی به جمع آوری آیات قرآن از نوشته های زمان پیامبر (ص) و حافظه مردم اقدام کند اما تنها شخص جمع آوری کننده، آن را روایت کند و سایرین از این امر بی اطلاع باشند؟ ۱۲. مجموعه های قرآنی که توسط صحابه جمع آوری شده بود از جمله مصاحف همسران پیامبر اکرم (ص)، بیان گر این است که؛ این کار در زمان آن حضرت انجام می شده و ایشان هم به یقین از این کار اطلاع داشته اند. بنابر این بیان این مطلب که کاری قرار است انجام شود که در زمان رسول خدا (ص) انجام نشده، غیر قابل باور است. به علاوه در همین روایت هم آمده است که ابوبکر به زید گفت: «تو کاتب وحی بوده ای و برای رسول خدا وحی می نگاشته ای...». لذا به یقین می توان گفت که امری بی سابقه در زمان رسول خدا (ص) نبوده است.

۱۳. از مجموع روایات این بخش اگر صحیح باشد، می توان چنین نتیجه گرفت که جمع قرآن توسط زید، اولین جمع قرآن به حساب نمی آید؛ چون این کار در زمان رسول

خدا(ص) و با اشراف آن حضرت انجام شده بود. علاوه بر این بسیاری از صحابه برای خود قرآن‌هایی فراهم آورده بودند که در حاشیه آیات آن، تفسیر و تأویل را نیز به نگارش در آورده بودند. نتیجه دیگر این که این کار با هدف جمع قرآن برای مسلمانان و برای خدمت به دین و امت صورت نگرفت بلکه از آن جا که ابوبکر مصحف کاملی نداشت، از زید درخواست کرد تا نسخه کاملی از قرآن، خالی از هرگونه توضیح و تفسیر برای او تهیه و جمع آوری کند؛ چنان که در روایات آمده بود این صحیفه‌ها نزد ابوبکر ماند تا از دنیا رفت و پس از آن نزد عمر و بعد از وی نزد دختر عمر ماند.<sup>۴۱</sup>

### عثمان و جمع قرآن

در روایات آمده است: حذیفه بن الیمان که در فتح ارمنستان و آذربایجان همراه با اهل عراق و در جنگ با اهل شام شرکت داشت و اختلاف جنگجویان مسلمان بر سر قرائت‌های مختلف، وی را به وحشت و ترس افکنده بود بر عثمان وارد شد و به وی گفت: ای امیرمؤمنان! این امت را قبل از اینکه همانند یهود و نصاری در کتاب [خدا] اختلاف کنند، دریاب! عثمان، کسی را فرستاد تا از حفصه بخواهد تا مصحف را [مجموعه‌ای که در زمان ابوبکر جمع آوری و به وسیله پدرش به او سپرده شده بود] برای وی بفرستد تا در مصحف‌هایی که قرار بود استنساخ شود از آن استفاده گردد و آن گاه به وی بازگردانند. حفصه آن نسخه را نزد عثمان فرستاد. عثمان به زید بن ثابت و عبدالله بن الزبیر و سعید بن العاص و عبد الرحمن بن الحارث بن هشام دستور داد تا به کار نسخه‌برداری از قرآن در چند نسخه پردازند و به گروه سه نفره قریشیان گفت: «اگر شما سه نفر با زید بن ثابت در [چیزی از کلمات و آیات] قرآن اختلاف داشتید، آن را به زبان قریش بنویسید؛ چرا که قرآن به زبان آنان (قریش) نازل شده است». آن‌ها نیز چنین کردند تا این که چون کار نسخه‌برداری در مصاحف انجام شد عثمان، مصحف را برای حفصه فرستاد و برای هر منطقه، مصحفی را از مصاحف استنساخ شده ارسال کرد و دستور داد که سایر صحیفه‌های قرآنی یا مصحف‌ها را بسوزانند.

خارجی بن زید بن ثابت از پدرش، زید بن ثابت، نقل می‌کند که گفت: «هنگام استنساخ و نسخه‌برداری از مصاحف، آیه‌ای از سوره احزاب را گم کردم. در حالی

که شنیده بودم که رسول خدا (ص) آن آیه را تلاوت می کردند. پس از جستجو آن را نزد خزیمه بن ثابت انصاری یافتیم [و آن آیه این بود]: «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه». این آیه را به سوره مربوطه در مصحف افزوده و ضمیمه ساختیم». ۴۲

در نقل دیگر علت پذیرش این آیه را تنها از خزیمه بن ثابت چنین عنوان می کند که رسول خدا (ص) شهادت او را [معادل] شهادت دو مرد قرار داده بود. ۴۳

### نکاتی که پیرامون این روایات قابل تأمل است

۱. آیا قرآن به زبان قریش نازل شده است؟ دلیل این سخن چیست؟ با توجه به این که در تاریخ آمده است که پیامبر (ص) در بین بنی سعد پرورش یافته - که لهجه آن ها فصیح بوده است -، آیا امکان ندارد که قرآن که فصیح ترین کلام هاست به زبان قبیله بنی سعد نازل شده باشد؟

۲. آن آیه سوره احزاب که مفقود شده بود آیا از قرآن جمع آوری شده در زمان ابوبکر هم مفقود شده بود یا پس از آن گم شد؟

۳. در تاریخ اسلام از خزیمه بن ثابت به عنوان جامع و حافظ قرآن، یاد نشده است؛ چه ویژگی در وی بود که باعث شده بود آیات مفقوده نزد وی باشد؟

۴. آیا کسانی که در زمان رسول خدا (ص)، به عنوان جامع قرآن معروف بودند، یا کسانی که پیامبر (ص) فرموده بودند که قرآن را از آن ها اخذ کنند و یا قاریانی که در جنگ های رده یا فتوحات شرکت داشتند، هیچ کدام از این آیه قرآن اطلاع نداشتند؟ ۴۵ آیا صحیح است که آیه ای از قرآن طی پانزده سال پس از رحلت پیامبر (ص) گم شده و پس از این مدت طولانی پیدا شود و جز یک نفر هیچ کس از آن باخبر نباشد؟

۵. چرا از عبد الله بن مسعود برای این کار دعوت به عمل نیامد ۴۶ که به همین دلیل، عثمان مورد اعتراض وی واقع شود؟ آیا برای کاری چنین مهم که به امر دین ارتباط دارد، لازم نبود از افراد مطلع و خبره دعوت شود نه افرادی چون عبدالله بن زبیر که هنگام رحلت رسول خدا (ص) نه ساله یا یازده ساله است ۴۷ و یا سعید بن عاص که نه ساله ۴۸ و عبدالله بن حارث که در آن زمان کودکی بیش نبوده است ۴۹ و حتی بعضی او را از تابعین به شمار آورده اند؟ ۵۰

چه ویژگی در این سه نفر بود که برای این کار دعوت شدند؟ آیا در بین قریش بهتر از این‌ها را سراغ نداشتند؟

۶. چرا دستور به سوزاندن سایر قرآن‌ها دادند؟

۷. علت اعتراض ابن مسعود چه بود؟ آیا تنها به این دلیل که او را برای کار نگارش قرآن دعوت نکرده بودند، اعتراض داشت یا این که افرادی را که برای این کار برگزیده بودند شایسته نمی‌دانست؟

چنانکه از سخن وی چنین بر می‌آید که می‌گفت: «قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، هیچ سوره‌ای از کتاب خدا نازل نشده است جز این که می‌دانم در کجا نازل شده و هیچ آیه‌ای از کتاب خدا نازل نشده جز اینکه می‌دانم درباره چه چیزی نازل شده است [و شأن نزول آن را می‌دانم] و اگر بدانم کسی آگاه‌تر از من به کتاب خداست و لازم باشد [برای دیدن او و فراگیری آن علم] بر مرکب سوار شوم، این کار را خواهم کرد».<sup>۵۱</sup>

چرا به این سخن رسول خدا (ص) در جمع قرآن مراجعه نکردند که فرمود: «قرائت قرآن را از چهار نفر دریافت کنید: عبدالله بن مسعود، سالم، معاذ و ابی بن کعب».<sup>۵۲</sup> که در این صورت احتیاج به جمع دوباره قرآن توسط زید نبود؟<sup>۵۳</sup>

۸. آیا اختلاف مردم در قرائت قرآن به دلیل وجود مصاحف متعدد در بین مردم بود که با یکی کردن مصحف‌ها این اختلافات از بین برود یا اختلاف در نحوه قرائت قرآن بود که حتی با یکی شدن مصحف‌ها با توجه به نداشتن نقطه و علامت اعراب، این اختلاف می‌توانست همچنان باقی باشد؟

به یقین این سخن گزاف نیست که؛ هدفی که عثمان خود گفته، ریشه‌کن ساختن اختلاف در کتاب خداست. او می‌خواست که مردم بر یک متن متفق باشند و اختلافی در آن باره با هم نداشته باشند. البته این هدف مذهبی وجود داشت، ولی تمام هدف و همه سخن این نبود. زمان عثمان، زمان سرکشی‌ها بود. احزاب هواخواه امویان بر کارها مسلط شدند و واکنش آن، مخالفت توده مردم بود. این مخالفت‌ها خیلی زود بروز کرد و روز به روز اوج بیشتری گرفت. عثمان با اقدام به توحید مصاحف و با این کار خود، چندین نشانه زد: با استفاده از متن تهیه شده قبلی، هم از زمینه آماده پیش، برای قبولاندن متن واحدی

بهره گرفت و هم چنین امتیازی به پیشینیان خود داد، هم سلاح کتاب را از دست مخالفان خارج ساخت و هم امتیازی بزرگ برای آل عثمان و امویان بدست آورد.<sup>۵۴</sup>

۹. اگر قرآنی که در عهد ابوبکر توسط همین زید بن ثابت جمع آوری شده بود، کامل بود، و با توجه به این که هنگام جمع قرآن در زمان عثمان از همان قرآن استفاده کردند، چگونه باز آیه ای از سوره احزاب گم شد تا این که بالاخره آن را نزد خزیمه بن ثابت یافتند؟<sup>۵۵</sup>

۱۰. در پایان این نکته هم قابل توجه است که اخبار مربوط به جمع قرآن در زمان عثمان، تنها از انس بن مالک و زید بن ثابت نقل شده است.

- |   |  |
|---|--|
| ۱۸. همان، ۴/۱۹۱۲.   | ۱. صحیح البخاری، ۳/۱۰۴۲.   |
| ۱۹. همان، ۳/۱۳۸۶.   | ۲. همان، ۳/۱۳۲۵.   |
| ۲۰. همان، ۴/۱۹۱۳.   | ۳. تاریخ قرآن/۲۷۶-۲۷۵.   |
| ۲۱. حقائق هامة حول القرآن الکریم/۱۰۲.                                 | ۴. همان/۲۸۰.   |
| ۲۲. المدخل لدراسة القرآن الکریم/۲۳۸.                                  | ۵. صحیح البخار، ۱، ج ۳.  |
| ۲۳. همان/۲۳۹.   | ۶. همان، ۴/۱۹۱۱.   |
| ۲۴. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۲/۴۱۱-۴۱۲.                      | ۷. همان، ۴/۱۹۱۰.   |
| ۲۵. صحیح البخار، ۶/۶۳۰-۶۲۹.   | ۸. حقائق هامة حول القرآن الکریم/۱۰۰.   |
| ۲۶. الاصابة، ۳/۹۴-۹۳.   | ۹. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۲/۶۷۷.  |
| ۲۷. الاستيعاب، ۱۱/۲۱۵-۲۱۴.  | ۱۰. صحیح الترمذی، ۱۱/۱۰۵؛ صحیح مسلم، ۱/۴۳۸-۴۳۷؛ سنن أبی داود، ۵۱/۱۰۹-۱۱۰؛ السنن الکبری، ۱/۷۲۳. |
| ۲۸. الاصابة، ۲/۱۵۴-۱۵۳.   | ۱۱. الدر المنثور، ۱/۷۲۲؛ الکشاف، ۱/۲۸۸-۲۸۷.  |
| ۲۹. الاستيعاب، ۱۱/۲۱۵-۲۱۴.  | ۱۲. الدر المنثور، ۱/۷۲۳.   |
| ۳۰. همان، ۲/۳۳۶.  | ۱۳. المدخل لدراسة القرآن الکریم/۲۴۲.   |
| ۳۱. صحیح البخار، ۴/۱۹۱۷.  | ۱۴. صحیح البخار، ۲/۷۲۳.  |
| دفتین به دو جلدی گفته می شود که کتاب یا هر نوشته ای را در بر می گیرد. | ۱۵. صحیح مسلم، ۴/۲۲۹.  |
| ۳۲. معجم القرائات القرآنیة، ۱/۴.                                      | ۱۶. صحیح البخار، ۳/۱۳۷۲.   |
| ۳۳. علوم القرآن/۱۰۳.  | ۱۷. همان، ۴/۱۹۱۲.  |
| ۳۴. البیان، ۱/۳۵۳.  |  |
| ۳۵. تاریخ قرآن/۳۲۱-۳۲۰.   |  |

- ٣٦ . حقائق هامة حول القرآن الكريم / ١١٢ .
- ٣٧ . البيان، ١ / ٣٥٣؛ القرآن الكريم و روايات المدرستين، ٢ / ٦٧٣ .
- ٣٨ . المدخل لدراسة القرآن الكريم / ٢٥٨ - ٢٥٧ .
- ٣٩ . صحيح البخارى، ٢ / ٦٩٨ .
- ٤٠ . القرآن الكريم و روايات المدرستين، ٢ / ٦٧٣ .
- ٤١ . حقائق هامة حول القرآن الكريم / ١٣١-١٣٠؛ تاريخ قرآن / ٣٣٢ .
- ٤٢ . صحيح البخار ، ٤ / ١٩٠٨ .
- ٤٣ . همان، ٣ / ١٠٣٣ .
- ٤٤ . تاريخ الاسلام، ١ / ٥٧ .
- ٤٥ . القرآن الكريم و روايات المدرستين، ٢ / ٦٧٣ .
- ٤٦ . همان .
- ٤٧ . الاصابة، ٦ / ٨٣-٨٢ .
- ٤٨ . همان، ٤ / ١٩٢ .
- ٤٩ . همان، ٧ / ٢١١ .
- ٥٠ . همان .
- ٥١ . صحيح البخارى، ٤ / ١٩١٢ .
- ٥٢ . همان، ٤ / ١٦٧٣ .
- ٥٣ . همان، ٤ / ١٩١٢ .
- ٥٤ . حقائق هامة حول القرآن الكريم / ١٣٠ .
- ٥٥ . تاريخ قرآن / ٤٥٦ .
- ٥٦ . القرآن الكريم و روايات المدرستين، ٢ / ٩٨ .